

تأثیرهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت

<"xml encoding="UTF-8?">

اشاره

یکی از مهم ترین اصل های شیعه که استمرار تعلیمات ناب اسلامی را در جوامع اسلامی، سبب شده است، ایده ی مهدویت است .
ایده ی مهدویت را از دیدهای گوناگونی می توان بررسی کرد . یکی از آن دیدها، تحلیل این عقیده از منظر جامعه شناختی است .
این نوشتار، آثار جامعه شناختی عقیده به منجی جهان را در سه بعد «دینی - اجتماعی»، «تربیتی - اجتماعی»، «سیاسی - اجتماعی» بررسی کرده است .

مقدمه

یکی از مهم ترین اصل های اندیشه ی تشیع که در عصر غیبت، استمرار تعلیمات ناب اسلامی و شیعی را در جوامع مسلمان سبب شده و راه پیش روی بشریت و آینده ی آنان را تا پایان تاریخ روشن ساخته، اصل اصیل مهدویت است . این اصل امید بخش، حرکتی است از سرچشمه ی توجه به امام و هادی و راهبری زنده و آسمانی اما در پس پرده ی غیب .

با تمسک به این اصل روشن، مؤمنان و مسلمانان، هرگز، در دنیای مدرن و صنعتی و بی خدایی معاصر، تنها و سرگشته نمی مانند و در هر فتنه و مصیبتی - آن گونه که در بیان زیبای روایات آمده است - به حصن حصین این اندیشه ی الهی (انتظار فرج) پناه می برند و برای حل مشکلات فردی و اجتماعی خود از آن یار غایب از نظر، چاره جویی می کنند .

اینک، در دنیایی که در آن، حکام و سیاست مداران، در پی اجرای دستورها و فرمان های الهی نیستند، بلکه می خواهند هر چه بیش تر به مطامع مادی خویش دست یابند، اندیشه ای که می تواند به معنای واقعی کلمه «منجی» و نجات بخش بشریت از آلام بی خدایی و افسردگی باشد، همانا اندیشه ی مترقی «مهدویت» است . پرداختن به این اندیشه و کاویدن زوایای گوناگون آن، اندیشه ی احیای مجدد دین در عصر کفر را به ارمغان می آورد .

آن چه ضرورت پرداختن به این مبحث مهم را دو چندان می کند، لزوم تدارک تئوریک برای حکومت دینی جمهوری اسلامی ایران است . حکومت دینی ما بر طرح تئوریک «تبیین و ترویج فرهنگ مهدویت» و پژوهش در عرصه های گوناگون مرتبط به این امر، متولد شده است .

در تبیین تأثیرهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت بر جامعه، ابتدا می توان دو نوع کلی تأثیر اجتماعی را بازشناسی کرد . نوع یکم «تأثیر غیر مستقیم» بر جامعه است .

در این بخش، فرایند عینی اعتقادات، از جمله اعتقاد به مهدویت، مجموع جامعه، اعم از معتقدان و غیر

معتقدان، را متأثر می سازد؛ یعنی، بسیاری از فرایندهای جمعی و گروهی در جامعه، پس از ایجاد، دارای انعکاس و بازتابی وسیع تر از حیطه ی گروه ایجاد کننده است . در بررسی تاثیرهای اجتماعی مهدویت، از این نوع تاثیرها نمی توان غافل بود . البته، توضیح بیش تر این ها، در بخش «تاثیرهای مستقیم» بیان می گردد .

تاثیرهای مستقیم هر فرایند آگاهانه، عمدتاً، از اتخاذ مبانی بینشی و نگرشی خاص در مورد موضوع مورد نظر و در افراد و گروه های مرتبط، شکل می پذیرد . این نگرش و بینش را می توان در حیطه ی امور دینی، به "اعتقاد" تعبیر کرد .

شکل گیری بینش و نگرش در درون افراد، واکنش هایی را در حیطه ی رفتاری آنان به وجود می آورد که می توان از آن به "کنش های رفتاری" تعبیر کرد . آن گاه که کنش های رفتاری از حد فرد گذشت و به گروه ها منتقل شد و واکنش های رفتاری به نحو جمعی صورت پذیرفت، فرایند «تاثیر و تاثر اجتماعی» آغاز می گردد .

اعتقاد به مهدویت نیز آن گاه که از حد بینش و نگرش می گذرد و به حیطه ی رفتاری - و خصوصاً رفتار فردی - سرایت کند، دارای تاثیرها و نمودهای عینی بر جامعه ی دینداران خواهد بود .

برای بررسی تاثیرهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت، از منظر جامعه شناختی، لازم است در ابتدا به ابعاد گوناگون این تاثیرها اشاره شود .

ابعاد اجتماعی تاثیرهای اعتقاد به مهدویت، عمدتاً، به سه گروه «دینی - اجتماعی» و «تربیتی - اجتماعی» و «سیاسی - اجتماعی» تقسیم می شود .

الف) تاثیر دینی - اجتماعی

تاثیر دینی - اجتماعی مهدویت، عمدتاً، شامل رفتارهای دینی می گردد که به نحو جمعی صورت می پذیرد . به عنوان شاخص هایی از این بعد، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

1- گرامی داشت مراسم نیمه ی شعبان نیمه ی شعبان، عید انتظار، عید نور، عید عدالت جهانی، عید اعلام نشاط، آگاهی، روشنی ضمیر، توجه به منتظران، و نمایش شادمانی ها و زوال تاریکی ها و امنیت و وحدت در جامعه ی جهانی اسلام است .

2- برگزاری ادعیه ی خاص حضرت در حقیقت، دعا و توسل، دو نیاز آدمی و دو بال پرواز او برای فرار از دل مردگی حاکم بر فضای زندان دنیا هستند . همین امر، انسان را بر آن می دارد تا در پی دستیابی به عواملی باشد که او را در راه درک مفاهیم ادعیه و زیارت، یاری می رسانند . در یک کلمه باید گفت، ترتیب و فراز و نشیب دعا با نیازهای پیچیده ی روح انسانی، هماهنگ است .

3- توجه به اماکن ویژه ی حضرت مسجد جمکران، در حال حاضر، میعادگاه میلیون ها انسان عاشق و علاقه مندی است که به شوق دیدار و توسل و ایجاد ارتباط در آن گرد هم می آیند تا با مقتدای خویش تجدید میثاق کنند .

امام مهدی (عج) به حسن جمکرانی فرموده اند: «به مردم بگو، به این مکان (مسجد مقدس جمکران) رغبت کنند و آن را عزیز دارند .» . این مکان مقدس، تحت توجهات خاصه ی حضرت بقية الله الاعظم، ارواحنا فداه، قرار دارد .

4- صدقه دادن به قصد سلامتی امام عصر (عج) صدقه دادن برای سلامتی حضرت، از جمله تکالیفی است که منتظران آن امام بزرگوار، در عصر غیبت بر عهده دارند. بدون شک، آن حضرت، بی نیاز از آن است که منتظران، برای سلامتی اش صدقه بدهند، ولی ابراز ارادت به آن بزرگوار و اعلام تبعیت از آن حضرت، نشانه ها و علایمی دارد که از آن جمله می توان علاقه به سلامتی حضرت اش را عنوان کرد.

از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که «هیچ بنده ای ایمان نیاورد، مگر آن که من، نزد او، از خودش محبوب تر باشم، و خاندان ام، از خاندان اش، نزد او محبوب تر باشند، و عترت من، نزد او، از عترت خودش محبوب تر باشند، و ذات من، از ذات خودش، نزد او محبوب تر باشد» (1)، با این حساب، اگر برای سلامتی خود یا خانواده ی خودمان صدقه می دهیم، باید برای سلامتی کسی که از ما و خاندان مان عزیزتر است، صدقه بپردازیم.

مرحوم سید بن طاووس به فرزندش چنین سفارش می کند:

... پس در پیروی و وفاداری ... نسبت به آن حضرت به گونه ای باش که خداوند و رسول او و پدران آن حضرت و خود او از تو می خواهند. حوائج آن بزرگوار را بر خواسته های خود مقدم بدار، هنگامی که نمازهای حاجت را به جای می آوری. صدقه دادن از سوی آن جناب را پیش از صدقه دادن از سوی خودت و عزیزان ات قرار بده. (2) هدیه دادن ثواب اعمال مستحب به آن امام شریف، از دیگر مصادیق ابراز ارادت به آن حضرت است. در زندگی روزمره، هدیه و چشم روشنی، گذرگاهی برای اعلام دوستی و نیز رفع کدورت ها است. روایات فراوانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این خصوص وارد شده است در روایت آمده است:

به هم دیگر هدیه بدهید تا رشته ی محبت تان استوار شود؛ زیرا، هدیه، محبت را بیفزاید و کینه و کدورت را از میان ببرد. (3)

هدیه کردن پاداش اعمال به امام عصر علیه السلام منحصر به ثواب نماز نیست، بلکه ثواب و پاداش هر عمل خیری را می توان مشمول این نکته قرار داد. مرحوم نوری طبرسی در النجم الثاقب، حج کردن به نیابت از سوی آن حضرت را مثال زده است و گفته، این کار، از قدیم، در میان شیعیان، امری مرسوم بوده است. (4)

هدیه ی پاداش اعمال نیک به ساحت قدسی حضرت مهدی علیه السلام امر پیچیده ای نیست و به مقدمات عریض و طویلی نیاز ندارد، بلکه همین که انسان نیت کند ثواب فلان عمل نیک، هدیه ای به امام عصر علیه السلام باشد، کفایت می کند.

هدیه دادن پاداش اعمال نیک به حضرت ولی عصر علیه السلام، قبولی و ازدیاد پاداش را به دنبال می آورد.

5- توجه به نظارت حضرت در شب های قدر بر کارنامه ی سالیانه ی افراد شب قدر، همان شبی است که در تمام سال، شبی به خوبی و فضیلت آن نمی رسد و عمل در آن، بهتر از عمل در هزار ماه است. در آن شب، امور سال، مقدر می شود و ملائکه و روح - که اعظم ملائکه است - به اذن پروردگار، در آن شب به زمین نازل می شوند و به خدمت امام زمان علیه السلام مشرف می شوند و آن چه برای هر کس مقدر شده است، بر امام علیه السلام عرضه می دارند.

6- توسل های جمعی به حضرت ما، در توسل ها که واژه ی «شفیع» را به کار می بریم، ابعاد فردی و شخصی و انسانی آن را در نظر می گیریم، اما هنگامی که واژه ی «منجی» و «موعود» را به کار می بریم، رسالت اجتماعی را در

نظر می گیریم . «منجی» جمع و جامعه و روابط اجتماعی و . . . را نجات می دهد . چون در روابط اجتماعی، تعدی وجود دارد، استثمار و استعباد به وجود می آید و عده ای، برای همیشه، از حقوق انسانی محروم می شوند . در این جا «منجی» ، معنا دارد . رسالت اجتماعی این است که انسان های مستضعف را که نظام های اجتماعی، به دلایل مختلف، آنان را اسیر خود و خواسته های مادی شان کرده اند، برهاند . او، بندهای استعمار و . . . را پاره می کند و زمینه را برای رشد و استفاده از قابلیت های انسانی فراهم می کند .

در حدیث آمده است که «یملأ الارض قسطا و عدلا کما ملئت ظلما و جورا» . قسط و عدل، واژه های اجتماعی اند، نه فردی . ایشان می آید تا جوامع را نجات بدهد و روابط قدرت را که نامتعادل است، تعادل بدهد و روابط ثروت را که نامتوازن است، موزون کند و روابط منزلت و حیثیت را که نامتوازن است، سر و سامان دهد . از حقایق تاریخی و بیانات روایی و نظایر آن، استفاده می شود که حضرت حجة بن الحسن (عج) پیوسته، پناه بیچارگان اند و هرگاه شخصی درمانده شود و از ایشان استمداد کند، به فریادش خواهند رسید . این مسئله، از دو جهت اهمیت دارد: یکی این که امام زمان (عج) پناه و فریاد رس همگان است و دیگر این که از وظایف شیعیان، این است که در شدايد و گرفتاری ها، به آن حضرت توسل جویند تا آنان را از دشواری ها برهاند و مشکلات شان را چاره سازد .

بحث گسترده درباره ی این دو جهت و شرح حال نجات یافتگانی که در طول زمان غیبت به آن قدرت الهی رو آورده و از لطف اش بهره مند گشته اند، از حوصله ی این نوشتار خارج است، اما به اختصار، مطالبی را یادآور می شویم:

منصب پناهگاهی و فریادرسی از مناصب الهی و شئون ولایی امام عصر (عج) پناه دادن درماندگان و فریادرسی بیچارگان است . در زیارتی که سید بن طاووس نقل کرده، خطاب به آن حضرت می خوانیم:

سلام الله و برکاته و تحياته و صلواته علی مولای صاحب الزمان و صاحب الضیاء و النور و الکهف و العصد یکی از القاب آن بزرگوار، «کَهِف» است . کَهِف، به معنای پناهگاه است . او، ملجا هر دردمند و پناهگاه هر گرفتاری است که به حضرت اش پناه آورد و به آستان اش دست نیاز برآورد .

در همان زیارت آمده است:

السلام علی مفرج الكربات (5) ؛

سلام بر گشاینده ی سختی ها و دشواری ها .

در دعای بعد از نماز زیارت آن حضرت نیز چنین عرضه می داریم:

اللهم! صل علی حجتک فی ارضک و مفرج الكرب و مزیل الهم و کاشف البلوی (6) ؛

پروردگارا! درود و رحمت فرست بر حجت ات در زمین ات که گشاینده ی رنج و مشقت و بر طرف کننده ی اندوه و غم و دافع بلیات است .

یکی دیگر از القاب حضرت مهدی (عج)، «غوٲ» و «غیاث (فریادرس)» است . در زیارت آل یاسین می گوئیم:

السلام علیک ایها العلم المنصوب و العلم المصبوب و الغوث والرحمة الواسعة (7) ؛

سلام بر شما ای پرچم برافراشته شده و ای دانش سرشار (ریخته شده) و ای فریادرس و رحمت گسترده

آری، او، «کَهِف» و پناهگاه است، «غوٲ» و فریادرس است، «مفرج الكرب» و گشاینده ی رنج است و «مزیل الهم» و زداینده ی غم است، «کاشف البلوی» و برطرف کننده ی بلا است .

راه رهایی از دشواری ها شیعه، هرگز در برابر دشواری ها و مشکلات زندگی، از پای در نمی آید و به هنگام سختی ها و شداید، خود را نمی بازد و در هجوم درد و رنج، از درون نمی شکند، بلکه به صاحب امر خویش، یعنی حضرت مهدی (عج) متوسل شده و شفای درد و حل مشکلات را از آن چشمه ی رحمت و معدن مهربانی و فتوت می جوید . چه بسا اگر انسان در موقع اضطراب و گرفتاری از امام زمان اش غافل بماند و به جای استمداد از او به دیگران - که خود، محتاج لطف و نیازمند فیض وی هستند - دست نیاز دراز کند، در انجام دادن وظیفه کوتاهی و به ولی نعمت و مولای خویش بی اعتنایی کرده باشد، و از این رو، سزاوار نکوهش است .

از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام روایت شده است که فرموده اند:

اذا نزلت بکم شدة فاستعینوا بنا علی الله و هو قول الله: «و لله الاسماء الحسنی فادعوه بها» ؛

هرگاه سختی و دشواری به شما رو آورد، به واسطه ی ما از درگاه الهی کمک بخواهید . همین است مراد سخن خداوند که فرموده: «و برای خدا، نام های نیکو است پس او را به آن نام ها بخوانید .» .

گر چه برای استمداد از امام زمان (عج) دعاها و نمازهای مخصوصی وارد شده و توسلات و عریضه نگاری ها و زیارت هایی نقل گردیده که هر یک نیز در تقرب به آن حضرت و نجات از اندوه و پریشانی، تاثیر به سزایی دارد، ولی آن چه سبب عنایت خداوند و لطف مولا می گردد، پیوند قلبی و ارتباط روحی با حضرت اش است . از این رو، کمک خواستن از آن بزرگوار، منحصر به الفاظ و کیفیت مخصوص و زمان و مکان ویژه نیست، بلکه هر وقت و هر جا دل سوخته ای از ژرفای جان و از صمیم قلب، حجت خدا را بخواند و به حقیقت دست نیاز به سوی وی دراز کند و دل از هر چه غیر او است، برگیرد و مضطر لطف و عنایت اش گردد، قطعاً، مورد توجه آن بزرگوار قرار می گیرد و از گرفتاری و رنج و محنت رهایی می یابد .

(ب) اثرات تربیتی - اجتماعی

انتظار امام و امت «امام و امت هر دو منتظرند: امت، در انتظار امام و منتظر خویش است و امام نیز همواره در انتظار به سر می برد . پس منتظر امت خود منتظر است؛ یعنی، چشم به راه فرشته ی حق است که در رسد و پیام قیام را برساند و او را به ظهور فراخواند تا او در پهنه ی آشکار زندگی، گام گذارد و رستاخیز خویش را بیاغازد و انقلابی اصولی و فراگیر در کار زندگی انسان درافکند و آن همه کوشش های نافرجام برای ساختن جامعه ی انسانی را به فرجامی راستین برساند و رسالت الهی خویش را که برای آن ذخیره شده است، به انجام برد .

انتظار، در روان ژرف و بیکران امام منجی - که قلب جهان است - حالتی ویژه دارد و با انتظارات دیگر تفاوتی اصولی . انتظار ما، به فراخور روان ها و اندیشه هایی که در انتظار به سر می برند و با شور و سوز و احساس هایی که منتظران دارند، ارتباط دارد و ژرفایی و گستردگی آن در همین رابطه مشخص می گردد . هر کس، در ارتباط با پایگاه فکری و آرمانی و نوع هدف ها و احساس هایی که دارد، در انتظاراتی متناسب به سر می برد . هدف و آرمان، هر چه والاتر باشد، انتظار تحقق آن و فرا رسیدن روزگار شکوفایی آن نیز بیش تر و شورانگیزتر است . بنا بر این اصل، انسان های بزرگ و احساس مندی که در اندیشه ی ساختن جامعه ی انسانی اند و به آرمان والای حقوق انسان و ارزش انسان فکر می کنند و همواره تفسیر درست و معقول انسان را در کتاب تکوین و تدوین می جویند و در راه این هدف بزرگ از احساس های الهی - انسانی پر شوری برخوردارند، انتظاری متناسب با این آرمان بزرگ دارند و آمادگی و تلاش ها و کوشش هایشان، هماهنگ با عظمت آرمان شان است . از این رو چنین انسان هایی، تمامی نیروها و امکانات خود را بر سر این آرمان می نهند و تا واپسین لحظات حیات، دست

از تلاش بر نمی دارند و سرانجام، زندگی را نیز فدا می کنند . !

نمونه های کامل این انتظارها و آمادگی ها و آرمانگرایی ها را در زندگی پیامبران علیهم السلام می بینیم .

پیامبران، با همه ی تفاوت هایی که در محیطها و جریان مبارزات خویش داشتند، در اصول و هدف ها و نوع فداکاری هایی که برای دستیابی به آن انجام می دادند، مانند هم بودند . پیامبران الهی، در هر دوره ای که رسالت یافتند، به سعادت انسان ها اندیشیدند و برای این مهم، کاملاً آمادگی داشتند و در انتظار چنین هدفی به سر می بردند . سراسر تاریخ، گواه راستین چنین انتظارها و آمادگی ها و احساس های پر شور و فداکاری های بی نظیر و هدفداری های بی مانند است .

پیروان پیامبران و دیگر انسان های دل سوز نیزهمواره در راه آرمان هاشان تلاش کردند و در انتظار پیدایی و تحقق هدف های والا، زندگی خویش را به سر آوردند .

بنابراین، همه ی انسان های صالح و هدفدار، در همه ی دوران زندگی، دارای خصلت انتظار بوده اند، و انتظار، تحقق بخش جوهر اصلی حرکت و عمل ایشان بوده است . لذا می توان گفت، انتظار، مفهومی جامع و فراگیر در همه ی ادوار تاریخ انسان بوده است .

امام مهدی (عج) می داند که با قیام خود چه حوادثی پدید می آورد و چه تحول و دگرگونی در زندگی ما ایجاد می کند و انسان ها را به چه اوج و فرازی می رساند و چه موانعی از سر راه انسان برمی دارد و چه دردها و رنج ها و نادانی ها و گمراهی ها و محرومیت ها و دیگر نابه سامانی هایی را ریشه کن می کند، از این رو، همواره و هر لحظه، انتظار به وقوع پیوستن آرمان های بزرگ الهی و انسانی را دارد . این انسان صالح و نمونه ی الهی که نسخه ی دومی ندارد، به هدف های خود عشق می ورزد، و عشق او به هدف هایش، شایسته ی والایی مقام و بی کرانی روح با عظمت او است . رسالت او و فلسفه ی غیبت او، همه و همه، دراین خواست الهی نهاده شده است .

وجود او و آرمان ها و عشق ها و مهربانی های او، همه، خدایی است . او، جز به حق و رضای او، به چیزی نمی اندیشد و به سعادت انسان و نجات اجتماعات بشری نیز عشقی الهی دارد، و انتظار او برای تحقق این آرمان ها نیز خدایی است .

در برخی از احادیث، انتظار فرج، برترین کارها به شمار آمده است . شاید یکی از علل این گونه آموزش ها، این بوده است که پیروان امام مهدی (عج) بکوشند تا خود را به امام شان نزدیک کنند و مانند او بیندیشند و امت با امام، در انتظار به سر برند . در حالت انتظار، بهترین شیوه ی پیوند و همسویی و همدلی با امام نهفته است، و غفلت از انتظار و معنای صحیح آن، باعث بی خبری و بی احساسی نسبت به سوزها و شورهای امام موعود است .

شاید در دوران غیبت انتظار راستین برای فرج، نخستین راه بیعت و هم پیمانی با امام موعود باشد؛ زیرا، انتظار، حضور در متن جریان ها و حوادث پیش از ظهور است و مایه ی یادآوری هدف ها و آرمان های امام موعود (عج) و زمینه ی آگاهی و هوشیاری و بیداری همیشگی است . در حال انتظار نبودن، به معنای غفلت و بی تفاوتی و بی خبری است، پس چه سان می توان خود را منتظر دانست و در انتظار مقدم گرامی امام بود، و محضر او را درک کرد؟

از این نظر، جامعه ی منتظر، باید چون خود امام، منتظر باشد و هر حادثه ی عظیم و ویران کننده و هر بازدارنده و یاس آفرینی، او را از تحقق هدف های مورد انتظار مایوس نکند و در راه آن هدف ها از پویایی و تلاش بازدارد و

همواره به امام خود اقتدا کند .

تأثیرهای تربیتی - اجتماعی مهدویت بر جامعه، شامل شاخصه هایی می گردد که به نوعی در ابعاد تربیتی انسان های جامعه اثر می گذارد . بارزترین نمونه ی تأثیرهای تربیتی - اجتماعی مهدویت، عبارت است از:

1- ایجاد روحیه ی امیدواری به آینده ای روشن ما، انسان ها، منتظر تحقق ارزش ها هستیم، ولی به طور فردی و به طور نوعی، آن ها را نمی بینیم؛ یعنی، نوع انسان متعارف، در تحقق این ها در زندگی جمعی، شکست خورده است . حال آیا باید انسان، دچار یاس شود و خود را ببازد؟ انتظار مهدی موعود، عجل الله تعالی فرجه، پیام امید است و به بشر سرخورده، امید می بخشد و می گوید، روزی، یک مرد الهی، آن چه را آرزوی تو است، یقیناً، برآورده خواهد کرد .

یکی از ویژگی های نسل منتظر، امیدواری و نگرش مثبت به آینده ی جهان است . اگر ما خودمان را در این شرایط ببینیم و تصور کنیم که منتظر دادگستر و عدل گستر جهان هستیم، برای برپایی آن اهداف تلاش خواهیم کرد . اگر امید نباشد، انسان، دچار افسردگی خواهد شد . اگر باور داشته باشیم جهان آینده، به دست نا اهلان اداره خواهد شد، احساس ناامیدی و خطر خواهیم کرد .

بنابراین، اعتقاد به مصلح جهانی، از نظر روانی هم برای جامعه ی بشری، ارزش عظیم و فراوان دارد؛ زیرا، اگر ناامیدی و یاس، در فردی زنده شود، سعادت و خوش بختی آن فرد، در معرض سقوط حتمی قرار خواهد گرفت . مفهوم امیدواری، دارای دو بعد «ذهنی» و «عینی» است . منظور از امیدواری در بعد ذهنی، مجموعه تفکرات، تمایلات، انگیزه ها، عادات، خوی های مثبت است که شخصی امیدوار، در حیطه ی ذهن خود از آن برخوردار است .

منظور از امیدواری در بعد عینی، مجموعه اعمال، رفتارها، کنش ها، واکنش هایی است که شخص امیدوار، به نحو مثبت و جهت دار و فعال، در مواقع گوناگون، از خود نشان می دهد . هر یک از این ابعاد، خود دارای مؤلفه هایی است که با بررسی آن مؤلفه ها، می توان به میزان وجود روحیه ی امیدواری در اشخاص پی برد . نمودار زیر، این مؤلفه ها را نشان می دهد .

(؟)

2- غایت مند سازی خلقت در تربیت، بر این نکته تاکید می شود که زندگی بی هدف، قطعاً، به پوچی و به بحران هویت می انجامد . برای جلوگیری از شیوع این روحیه، خصوصاً در جهان صنعتی که مشکلات فراوانی را پیش روی انسان ها قرار می دهد، باید به کانونی برای حرکت و تلاش، توجه کرد . اندیشه ی مهدویت، می تواند به انسان بیاموزد که جهت رسیدن به «جامعه ی آرمانی به محوریت امام مهدی (عج)» ، همواره باید به این کانون فکر کرد و فعالیت های خود را بدان سو معطوف ساخت . طبیعی است که این فعالیت، انسان، را از پوچی می رهند و به سوی زندگی مالا مال از حرکت و نشاط سوق می دهد . از دیدگاه چنین انسانی، عدالت، نه تنها در قیامت و جهان واپسین، بلکه در همین دنیا هم جاری خواهد شد . بدین ترتیب، انسان، خود را در سرنوشت جهان، مؤثر می بیند و بنابراین می کوشد به دست خود بهترین جهان را بسازد .

ادیان، همواره، عنصری دارند که در دین شناسی به آن «اسکاتولوژی (غایت شناختی)» می گویند . ادیان، بلکه همه ی مکاتب، همواره، غایتی را برای بشر ترسیم می کنند . غایت شناختی، جزء عناصر اساسی ادیان است .

از دیدگاه جامعه شناختی، ادیان، برای استحکام بخشیدن به اخلاق، نیاز به پشتوانه ای در انتها و آن سوی این زندگی دارند. به بیان دیگر، این جهان، زمان مند است و روزگاری به پایان خواهد رسید، پس برای بررسی اعمال و داوری درباره ی آن ها، باید دنیای دیگری باشد. دقیقاً، در این وضع است که نیک و شر معنا می دهد. بنابراین، اخلاق، در چنین شرایطی معنا می دهد و ارزش های اخلاقی به کمک چنین غایت شناختی، تحکیم می شوند.

عناصر غایت گرایانه در ادیان به نظر می رسد که دو عنصر غایت گرایانه در ادیان وجود دارد:

(الف) روز داوری و روز بازپسین؛ در این روز، حساب اعمال بشر رسیده خواهد شد و اعمال شر را جزا خواهند داد و خیر را پاداش.

(ب) موعود گرایی؛ موعودگرایی نیز نوعی غایت شناختی ادیان است. موعود گرایی، نهایتی را برای حرکت جوامع ترسیم می کند.

نه تنها در اسلام، بلکه در ادیان دیگر نیز ما شاهد پیدایش و رشد این عنصر هستیم. موعودگرایی و هزاره گرایی را در پایان سال دو هزار شاهد بودید. با شکوه ترین جشن ها، در این روز بود. این جشن، برای جهان غرب، فقط یک تفریح نبود. بسیاری از مسیحیان و یهودیان، چشم انتظار پایان این هزاره بودند؛ زیرا، در پایان این هزاره، وعده هایی به بشر داده شده بود.

در اسلام، غایتی داریم به نام «روز داوری» یا «روز بازپسین»، که اعمال در آن روز، داوری خواهند شد. نکته ای که جای دقت دارد، این است که «موعودگرایی و انتظار منجی، چرا حلقه ای از آن است؟». باقی گذاشتن یک حلقه در انتهای این سلسله، نشانه ی چیست؟

به نظر می رسد که این حلقه ی پایانی می خواهد به ما بگوید، این ایده، در تاریخ پاسخ گوی نیاز انسان ها است. اگر ما، عدل علی علیه السلام و تمام فضایل را در یک جامعه ی کوچک می بینیم، مهدویت، نهایت این فضیلت ها است. مهدویت، معنایی نزدیک به معنای روز داوری یا روز بازپسین دارد. مهدویت، در این جا، تجلی والاترین و برترین نمونه ی عدالت، شفقت، رحمت، برادری، مساوات، زیبایی، خردورزی است، نهایتی که برای جامعه ی بشری ترسیم شده است. (8)

(ج) تاثیرهای سیاسی - اجتماعی

مراد از تاثیرهای سیاسی - اجتماعی مهدویت، مجموعه ی فرایندهای سیاسی است که به سبب اعتقاد به مهدویت در جامعه ایجاد می گردد. اعتقاد به مهدویت، تاثیرهای سیاسی فراوانی بر جوامع گوناگون داشته است. برخی از نمونه های این تاثیرها بر جامعه عبارت است:

1- ایجاد جنبش ها و قیام های دینی علیه ظلم و ستم با محوریت اندیشه ی مهدویت؛

برخی از جنبش هایی که با محوریت موعود گرایی به نحو عام، در جهان صورت پذیرفته است، عبارت است از جنبش های هزاره گرا در کنگوی بلژیک و فرانسه، ولتای علیا، سیرالئون، تانگانیکا، فیلیپین، اندونزی، ویتنام، هائیتی، برزیل، آرژانتین، پرو، جامائیکا، . . .

به اعتقاد شیعیان و اغلب دانشمندان و علمای اهل سنت و نیز واقعیت تاریخی، پس از رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و به ویژه پس از شهادت مولای متقیان امیر مؤمنان علیه السلام، اسلام، از مسیر اصلی و مستقیم خود خارج شد و تعصبات نژادی و اشرافیت، دربار خلفا را فرا گرفت و روز به روز جامعه از شعائر اسلامی فاصله گرفت و عدالت اجتماعی رخت برپست و تفاخرات قومی و مذهبی و به دنبال آن تبعیض های اجتماعی، سراسر جامعه ی اسلامی را فراگرفت .

رهایی از ظلم و جور حکام ستمگر به ظاهر مسلمان و بازگشت به دوران معنوی و بی آلایش و مساوات اسلامی صدر اسلام، آرمان همه ی دردمندان مسلمان از عالم و عامی بود، اما واقعیت آن بود که پیامبر صلی الله علیه و آله رحلت کرده بود و جامعه ی اسلامی به دلیل سال ها و قرن ها دوری از زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله احیای آن دوران محال می نمود، ولی خاطره ی دوران کوتاه و طلایی صدر اسلام، آرمان اجتماعی همه ی مصلحان و رهبران نهضت های سیاسی - اجتماعی در جهان اسلام بوده است .

در این میان، شیعیان، به دلیل اعتقاد به ظهور امام دوازدهم، حضرت مهدی (عج) که از نسل پاک پیامبر صلی الله علیه و آله و منجی دین و آیین او است، این آرمان را نه یک رؤیا، بل واقعیت می دانند و دوران سیاه ظلم و شقاوت ستمگران را ناپایدار و زود گذر می پندارند و با امید به ظهور آن امام همام و پیروزی وی بر ظالمان، در انتظار گرفتن انتقام مظلومیت خود و همنوعان خویش، آرزوی «فرج» می کنند و آلام خود را تسکین می دهند . انتظار، در تاریخ شیعه و اسلام، صورت ها و جلوه های گوناگونی داشته که در این مقاله، به اجمال، به آن ها اشاره می شود:

1- انتظار توام با صبر؛ پس از حملات ویرانگرانه و وحشیانه ی کافران مغول به ایران، و حاکمیت یافتن آنان بر جان و مال و ناموس مردم، شیعیان، نشانه های ظهور را نزدیک می دیدند . یاقوت حموی، مورخ معروف قرن هفتم می نویسد، در سال های نخست حمله ی مغول، در شهر کاشان - از کانون های عمده ی تشیع در ایران - مردم شهر، هر روز، هنگام سپیده دم، از دروازه خارج می شدند و اسب زین کرده ای را یدک می بردند تا حضرت مهدی (عج) در صورت ظهور بر آن اسب سوار شود . (9)

در زمان فرمانروایی سربداران نیز نظیر همین عمل در شهر سبزوار - که یکی از مراکز تشیع شمرده می شد - معمول بوده است و به طوری که میرخواند در روضة الصفا می نویسد: «هر بامداد و شب، به انتظار صاحب الزمان علیه السلام اسب کشیدندی .» .

حسام الدین محمد بن حسام کوهستانی که یک روستایی شاعر پیشه بود و دیرتر از عصر یاد شده می زیست و در حدود 875 ق درگذشت، منظومه ای به نام خورشید نامه، در مدح امیرمؤمنان علیه السلام و امام عصر علیه السلام تالیف کرده است . (10)

2- ادعای مهدویت؛ برخی از ناآگاهان، با اطلاع از نارضایی عمومی جامعه و اعتقاد عموم شیعیان به ظهور امام زمان (عج)، ادعای مهدویت کردند تا با بسیج عمومی و غلیان احساسات پیروان خود، بساط ظلم و ستم را برچینند . برخی نیز اعتقادات و احساسات پاک مردم را ابزاری برای کسب قدرت خود کردند . در سال 665 قمری، قیام بزرگ مردم فارس، تحت رهبری شیخ شرف الدین - که خود را مهدی خوانده بود - به وقوع پیوست که به شدت سرکوب شد . (11)

در سال 845 قمری، نیز قیام مشابهی در خوزستان ایجاد شد که در راس آن سید محمد مشعشع، از شیعیان افراطی (غالی)، قرار داشت. وی، خود را «مقدمه» ی ظهور امام غایب می خواند و پیشگویی می کرد که وی به زودی ظهور خواهد کرد و عدل و داد بر روی زمین برقرار خواهد شد. به گفته ی یکی از مورخان، حدود ده هزار نفر در زیر لوای او گرد آمدند و در محلی میان هویزه و شوشتر، علم عصیان را برافراشتند و امیران و فئودال های محلی را از میان بردند. قیام آنان موجب نگرانی امرای فارس گردید. از این رو لشکر فارس به قصد سرکوب وی آمد، اما از آن رو که پیروان مشعشع، «فدایی» او بودند و مرگ را بر زندگی ترجیح می دادند، مردانه پایداری کردند و لشکر فارس شکست خورد. (12)

گذشته از شیعیان امامیه و سرزمین ایران، نهضت های سیاسی - اجتماعی متعددی به دست شیعیان غیر امامیه و نیز اهل سنت، ضد دولت های وقت به وقوع پیوست که رهبران آن ها، داعیه ی مهدویت داشتند. این قیام ها، غالباً، از پایگاه اجتماعی نیرومند و حمایت های وسیع مردمی برخوردار شدند. در این جا به اختصار، به آن ها اشاره می شود:

1- عبدالله بن میمون (م 251)، از اعراب خوزستان بود. وی، به مقام «داعی» اسماعیلی نایل شد و از طرف امام مستور (امام زمان)، در خوزستان دعوت و تبلیغ می کرد. او، ناگزیر پنهان شد و نخست در بصره پناهگاهی جست و سپس به سلامیه (سوریه) گریخت و در آن جا به تبلیغ پرداخت و مبلغانی به اطراف گسیل کرد. آنان، به مردم می گفتند، به زودی، امام مستور (صاحب الزمان) - که مهدی موعود است - ظهور خواهد کرد.

2- در فاصله ی قرن های سوم و چهارم هجری، در سوریه (شامات)، داعیان اسماعیلی شایعاتی منتشر کردند که مهدی علیه السلام ظهور کرده و او همان عبیدالله، امام اسماعیلی است که نام اش تا آن اواخر، مستور بوده است. مسلم است که عبیدالله، خواست از قرمطیان در عراق و سوریه استفاده کرده، قدرت را در دست گیرد. وی، در سال 287 قمری در راس قیام سوریه قرار گرفت و پس از سرکوب قیام اش، همزمان و همفکران خود را به دست سرنوشت سپرد و در میان لعنت و نفرین، در سال 289 قمری به مصر گریخت و از آن جا راهی مغرب (مراکش) شد.

مدت ها بود که در مغرب، وقایع سیاسی بسیار مهمی جریان داشت. در سال 282 قمری، از مرکز اسماعیلیه سلامیه (سوریه)، مبلغی جدی و بلیغ به نام ابو عبدالله شیعی - که اصلاً از سرزمین یمن بود - بدان جا گسیل شده بود. وی، نخست، محتسب (حسابدار) بصره بود و پس از آن، به اسماعیلیه پیوسته بود. او، در تونس، از نارضایی بربرها از سیاست داخلی دودمان محلی اغالبه (184-297 قمری) استفاده کرد. بربران، در 297 قمری قیام کردند و سلطنت اغالبه را سرنگون ساختند. عبدالله، در اوایل زمستان 298 قمری، در شهر رقاده، به سمت امامت و خلافت، اعلام شد و امیرالمؤمنین و «مهدی» نامیده شد.

3- در فاصله ی قرن های سوم و چهارم هجری، رهبران قیام های قرمطی، یعنی حمدان قرمط و عبدان گویا، از طرف رییس پنهانی فرقه که «صاحب الظهور» نامیده می شده و محل اقامت اش مجهول بوده، عمل می کردند. پس از تاسیس دولت قرمطیان در بحرین (286 ق) - که مرکز آن شهر لحسا بوده -، ابو سعید حسن الخبایی که گویا از طرف «صاحب الظهور» یا رییس مخفی فرقه ی به آن جا گسیل شده بود، در راس آن قرار گرفت. وی، عملاً، در حکومت خویش کمال استقلال را داشت.

4- محمد بن عبدالله تومرت، معروف به مهدی اهرعی، مکنی به ابو عبیدالله - که اصل او از جبل السوس در انتهای مغرب (مراکش) بود - به سرزمین های شرقی سفر کرد و به عراق رفت و از ابو حامد محمد غزالی و

دانشمندان دیگر دانش آموخت و به زهد و پرهیزگاری و تقوا شهرت یافت . سپس به مصر و شمال افریقا رفت و سرانجام در مغرب سکونت گزید و دولت بزرگی در اوایل قرن ششم تأسیس کرد که به دولت عبدالؤمن شهرت یافت . (13)

5- عباس فاطمی، در اواخر سده ی هفتم هجری در مغرب ظهور کرد و خود را «مهدی» نامید و هواداران زیادی دور خود جمع کرد و کارش بالا گرفت و شهر مانس را تصرف کرد و بازار شهر را سوزاند و عاملان خود را به اطراف و انکاف فرستاد، لکن پیش از آن که دولتی تشکیل دهد، کشته شد و دعوی او پایان یافت . (14)

6- محمد مهدی سنوسی، در نیمه ی دوم قرن نوزدهم میلادی (سیزدهم هجری) در مغرب، ادعای مهدویت کرد . اصل او از جبل سوس بود . پدرش شیخ محمد در ناحیه ی جغبوب (جربوب)، نزدیک واخه سیوا اقامت داشت . علاوه بر آن جا - که مقر اصلی او بود - نزدیک به سیصد زاویه در بلاد مغرب دایر کرده بود که به نشر تعالیم او پرداختند . وی، پیش از وفات خود، اشاره کرده بود که مهدی منتظر، به زودی، ظهور خواهد کرد و شاید پسرش باشد و ظهور او در آخر قرن سیزدهم خواهد بود . مهدی، مردی خردمند و مقتدر و سخت کوش بود و از کرامات مشهور او خیمه ای جادویی بود که در جنگ ها همراه می برد و پیروان اش معتقد بودند که آن خیمه، هیچ گاه از ذخایر و آذوقه تهی نمی شود .

7- محمد احمد سودانی، معروف به مهدی سودانی (1848-1885 میلادی/1264-1292 قمری)، از مهم ترین و معروف ترین مدعیان مهدویت بود . وی، از قبیله ی دناقله بود و در سودان به دنیا آمد . پدرش عبدالله نام داشت و به قایق سازی مشغول بود . محمد احمد، به تعلم علوم دینی پرداخت و مراتب طریقت را نیز گذراند و با نرم خویی و تیزهوشی و سخنوری خود و از همه مهم تر، زهد و تقوای خویش - که زبانزد همگان بود - مردم را به خود جذب کرد . او، به امر به معروف و نهی از منکر پرداخت و مردم را به رعایت موازین شرعی دعوت کرد . در سال 1881 میلادی/1297 قمری که زمینه ی دعوت خود را مهیا دید، ادعای مهدویت کرد و خود را همان مهدی منتظر علیه السلام نامید . آن چه موجب دعوی محمد احمد گردید، به طور عمده، به این شرح است:

الف) انتظار اکثر مسلمانان و از آن جمله مردم سودان برای ظهور مهدی علیه السلام؛

ب) اعتقاد شیوخ قبایل و فقههای سودان بر این که مهدی علیه السلام از میان آنان ظهور خواهد کرد . آنان، این عقیده را به روایاتی از اهل سنت مستند می کردند؛

ج) دریافت مالیات سنگین از مردم سودان که همراه با فشار و آزار و توهین به مالیات دهندگان بود . از زنان و کودکان سودانی نیز، مالیات گرفته می شد . مردم سودان، سالانه، سه بار مالیات می پرداختند: یک بار برای فرماندار، و یک بار برای قاضی، و یک بار برای ماموران مالیات . کشاورزان، برای کشت گندم، استفاده از آب نیل و قایقرانی در نیل نیز مالیات می دادند و خانه های کسانی که در پرداخت این مالیات ها تاخیر می کردند، سوزانده می شد .

د) خرید و فروش مردم سودان به عنوان «برده»، تجارت پر درامدی برای تجار سودانی بود . صدها هزار نفر از جوانان سودانی، به عنوان کارگر و خدمتگزار، به قیمت نازلی خریداری شده و با قیمت گزافی فروخته می شدند و به کارهای شاق و طاقت فرسا در سرزمین های دور دست می پرداختند . ماموران دولتی از برده فروشان، مالیات مطالبه می کردند . وقتی دعوت محمد احمد سودانی گسترش یافت، تجار ناراضی سودانی، دعوت او را لبیک گفته و در تقویت او کوشیدند . مهدی سودانی، چند بار با نیروهای مصری - انگلیسی جنگید و آنان را شکست داد و شهر خارطوم را به تصرف خود در آورد و دولت مستقلی تشکیل داد . مهدی سودانی، با قدرت تمام، به

سازماندهی حکومت خود پرداخت و امور کشور را به سه بخش لشکری و مالی و قضایی تقسیم کرد و فرماندهی لشکر را به خلیفه ی خود، عبدالله تعایشی سپرد . او، از طریق اخذ زکات و فطریه و عشریه، کشور را اداره می کرد و در اجرای شریعت، سختگیر بود . او، پیش از مرگ در 21 ژوئن 1885 میلادی، عبدالله تعایشی را به جانشینی خود برگزید و از همگان خواست تا با او بیعت کنند . (15)

8- در ایران نیز در سال 1265 قمری، یکی از شاگردان سید کاظم رشتی به نام سید علی محمد شیرازی، خود را نماینده و باب امام زمان علیه السلام دانست و پس از این که گروهی به او گرویدند، دعوی مهدویت کرد . علما، با ادعای پوچ او، مخالفت کردند . او، با فشار علما، در جلسه ی مناظره شرکت کرد، اما از پاسخ های اولیه در ماند و پس از آن که چوب مفصلی خورد، توبه کرد و آزاد شد، اما بار دیگر دعوت اش را ادامه داد و سپس دستگیر و در قلعه ی چهریق زندانی گردید . پیروان اش با حمایت سفرای روسیه و انگلستان، در گوشه و کنار کشور، شورش ضد دولتی به راه انداختند، اما این شورش ها، با هوشیاری و مقاومت مردم و همکاری قشون دولتی، سرکوب گردید و باب نیز اعدام شد . بدین ترتیب، دعوی باب که می رفت تا کشور را به هرج و مرج و دودستگی و نهایتا تجزیه بکشاند، در نطفه خفه گردید . (16)

3- ایجاد انقلاب های سیاسی در جوامع نمونه ی بارز انقلاب هایی که با توجه و عنایت به بعد موعودگرایی رخ داده است، انقلاب اسلامی ایران است . به اعتقاد شیعه، ظهور حضرت مهدی (عج) و شکل گیری حکومت عدل جهانی، از یک اعتقاد صرف فراتر رفته و هویت شیعی را در طول تاریخ شکل داده است . در نگاه شیعه، حکومت جهانی آن حضرت (عج) تحقق بخش مدینه ی فاضله است .

تاثیر اندیشه ی مهدویت بر انقلاب اسلامی ایران، از چند حیطة قابل بررسی است:

1- علل موجه ی حرکت انقلابی مردم مسلمان ایران .

2- علل و رمز موفقیت و پیروزی انقلاب اسلامی .

3- علل تداوم و استمرار انقلاب اسلامی .

علل موجه ی انقلاب اسلامی یکی از عوامل مهم شروع حرکت انقلابی مردم مسلمان ایران، بی تردید، تفکر انقلابی شیعه است که مبتنی بر اصول اعتقادی برگرفته از اندیشه ی دینی، به طور عام، و اندیشه ی مهدویت، به طور خاص است .

از مهم ترین این اصول، نفی ظلم و ستم و نفی سبیل و سلطه ی کفار و نفی حاکمیت غیر الهی و حق مشارکت و حضور مردم و حق نظارت و احساس مسئولیت است .

بر همین اساس، بیش تر فقهای بزرگوار شیعه، از جمله امام خمینی، در دوره ی غیبت، تشکیل حکومت اسلامی را واجب می دانند و بر این باورند که اگر یکی از فقهاء، تشکیل حکومت داد، بر دیگران واجب است تا از او پیروی کنند و اگر تشکیل حکومت اسلامی به جز از راه قیام و اقدام دسته جمعی امکان پذیر نباشد، همگان، باید بدین مهم اقدام کنند و در صورتی که تشکیل حکومت ممکن نباشد، باز هم باید به اندازه ی توان، احکام اسلامی را اجرا کنند . (17)

علل پیروزی و موفقیت انقلاب اسلامی به اعتقاد اندیشه مندان و تحلیل گران سیاسی، ایمان و اعتقادات دینی

مردم ایران و رهبری انقلاب، از جمله عوامل مهم و مؤثر موفقیت و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران است. رابرت گراهام، در این زمینه گوید:

تغییرات انقلاب در ایران تحقق پیدا نمی کند، مگر آن که جامعه ی مذهبی و مرجعیت، از آن پشتیبانی کند. قیام پانزدهم خرداد، به سبب بازداشت آیه الله [امام] خمینی، و قیام 1357 مردم ایران به سبب توهین روزنامه ی اطلاعات به روحانیت و امام خمینی، و با انگیزه ی مذهبی و دفاع از رهبری دینی، به وقوع پیوست (18) آقای فردعالید، در بررسی عوامل پیروزی انقلاب اسلامی چنین گوید: «نخستین جنبه ی انقلاب اسلامی، خصیصه ی مذهبی بودن آن است. . .». (19)

اندیشه ی مهدویت و اعتقاد به ظهور منجی، به عنوان یک مکتب انتظار فلسفی - سیاسی، خود را نشان داده است؛ زیرا، انتظار، به حالت کسی گفته می شود که از وضع موجود ناراضی و برای ایجاد وضع بهتر تلاش می کند. از این رو، انتظار، مرکب از دو عنصر سلبی و ایجابی است. عنصر سلبی، همان نارضایتی از وضع موجود و تلاش به منظور از بین بردن آن و ترک هر گونه همکاری با عوامل ظلم و فساد است. عنصر ایجابی، خودسازی فردی و مادی و معنوی برای شکل گرفتن حکومت واحد جهانی امام زمان (عج) (20) است.

انقلاب اسلامی، با اعتقاد مردم شیعه ی ایران به پیروی از رهبری امام خمینی (ره) به عنوان نایب امام زمان (عج) و وجوب اطاعت و پیروی از ایشان به پیروزی رسید و هدف اش از بین بردن عوامل ظلم و فساد و تشکیل حکومت اسلامی و زمینه سازی برای تشکیل حکومت واحد جهانی امام زمان (عج) است.

علل تداوم و استمرار انقلاب مردم متدین ایران، انقلاب اسلامی را زمینه ساز ظهور امام زمان علیه السلام و مقدمه ای برای انقلاب اصلی امام عصر (عج) می دانند. با تفحص در کتاب صحیفه ی نور، سخنان ارزنده ای از حضرت امام خمینی قدس سره، بنیانگذار جمهوری اسلامی، درباره ی انتظار حضرت بقیه الله (عج) به چشم می خورد که دلالت بر این می کند که این مرد بزرگ زمان، خود را به عنوان یک خدمتگزار و سرباز امام زمان (عج) در عصر انتظار معرفی کرده و هدف انقلاب اسلامی را زمینه سازی برای ظهور آن حضرت می داند؛ زیرا، هدف از تشکیل حکومت اسلامی، گسترش اهداف دین برای رسیدن به حکومت واحد جهانی بوده است. حضرت امام (ره) می فرمایند: (21)

از خداوند تعالی، مسئلت می کنم که ظهور حضرت ولی عصر، سلام الله علیه، را نزدیک فرماید و چشم های ما را به جمال مقدس اش روشن فرماید. ما، همه، انتظار فرج را داریم و باید در این انتظار خدمت کنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید تلاش کنیم تا قدرت اسلام، در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام ان شاءالله، تهیه بشود.

در اندیشه ی مهدویت، لازمه ی انتظار، ایجاد زمینه ی ظهور و انجام دادن اصلاحات سیاسی و اجتماعی و آماده کردن جامعه برای پذیرش انقلاب جهانی امام مهدی (عج) و تحولات اساسی است.

نکته ی آخر

در بررسی بیش تر انقلاب ها، به این نتیجه می رسیم که تاثیرهای سیاسی و فرهنگی و اجتماعی آن ها بر مجموعه ی جامعه، به عنوان یک کل، اثر می گذارد و این همان، اثری است که در ابتدای بحث، به عنوان

«تأثیرهای غیر مستقیم مهدویت بر جامعه» ، از آن نام برده شد . به عبارت دیگر، شاخص های سیاسی که از تفکر مهدویت ناشی می گردد، هم از بازتاب مستقیم اعتقاد به مهدویت متأثر می گردد و هم از بازتاب های غیر مستقیم آن .

پی نوشت ها :

- (1) سید محمد تقی اصفهانی، مکیال المکارم، ترجمه، ج 2، ص 297 .
- (2) همان ص 288، و النجم الثاقب، ص 773 .
- (3) نهج الفصاحة، سخن 1189 .
- (4) النجم الثاقب، ترجمه، ص 774 .
- (5) بحار الانوار جلد 102، صفحه 84 .
- (6) مفاتیح الجنان . زیارت حضرت صاحب الامر (عج .)
- (7) بحار الانوار جلد 102 صفحه 93 .
- (8) برگرفته از سخنرانی دکتر کوثری، از طریق سایت . www.monjee.com
- (9) برگرفته از مقاله ی نقش انتظار ظهور امام مهدی علیه السلام در نهضت سیاسی - اجتماعی اسلامی - محمد حسن رجبی، به نقل از: ای پ پطروشفسکی، نهضت سریداران خراسان، ترجمه ی کریم کشاورز تهران، پیام، چاپ سوم، 1351، ص 15 و 16 .
- (10) همان، ص 16 .
- (11) همو . اسلام در ایران، ترجمه ی کریم کشاورز، تهران، پیام، چاپ چهارم، 1354، ص 373 .
- (12) همان، ص 380 و 381، و نیز رجوع شود به کتاب مشعشعیان، نوشته ی احمد کسروی .
- (13) جرجی زیدان، مشاهیر الشرق فی القرن التاسع عشر، جزء اول، ص 61-63 .
- (14) جرجی زیدان، مشاهیر الشرق فی القرن التاسع عشر، جزء اول، ص 61-63 .
- (15) برای اطلاع بیشتر از شرح حال مهدی سودانی رجوع شود به منبع فوق، ص 61-115، تاریخ سودان .
- (16) برای اطلاع از دعاوی باب، رجوع شود به فتنه ی باب، نوشته ی اعتضاد السلطنه که کمی پس از رفع آن فتنه نوشته است .
- (17) کتاب البیع، امام خمینی، ج 2/466-465، اسماعیلیان، قم .
- (18) گذری بر رویدادهای معاصر ایران و پیدایش انقلاب اسلامی، مهرعلی لطفی، انتشارات پرهیزگار، قم، 1379، ص 162 .
- (19) همان، ص 157 .
- (20) همان، ص 64 و 62 .
- (21) صحیفه نور، ج 7، ص 255، 12/4/58 .